

آتش نشان فداکار تبریزی آسمانی شد



آتش نشان فداکار تبریزی ۴۲ساله پیش در جریان عملیات نجات پدر و دختری از آتش، دچار ضایعه مغزی شده و به همه این سال‌ها در بستر بیماری بود، روی تخت بیمارستان جانش را از دست داد. به گزارش همشهری، حادثه‌ای که جان صالح امانی را گرفت، شامگاه هفتم اردیبهشت سال ۱۴۰۰ رخ داد. آن شب آتش‌نشانان در جریان حریق در آپارتمانی ۷طبقه در کوک فردوس تبریز قرار گرفتند و راهی آنجا شدند. آتش‌سوزی از طبقه اول آغاز شد و دود غلیظ به سایر طبقات سرایت کرد و جان ساکنان آنجا را به خطر انداخت. آتش‌نشان به چند گروه تقسیم شدند و همزمان بااطافی حریق، عملیات نجات ساکنان را آغاز کردند. وقتی آنها حدود ۲۰نفر از ساکنان را از ساختمان خارج کردند، متوجه شدند مردی به همراه دختر ۱۲ساله‌اش در کانون آتش‌سوزی، یعنی آپارتمان طبقه اول گرفتار شده‌اند. صالح امانی، آتش‌نشان ۲۸ساله که به تازگی به استخدام آتش‌نشانی درآمده بود به همراه یکی از همکارانش برای نجات پدر و دختر راهی طبقه اول شدند. آتش در ورودی واحد را در بر گرفته و همین باعث گرفتار شدن پدر و دختر شده بود. آتش‌نشانان موفق شدند از آتش عبور کنند و ابتدا پدر را نجات دهند. کمی بعد آنها موفق شدند دختر ۱۲ساله را نیز از دل آتش بیرون بکشند. پس از نجات این دختر بود که صالح امانی و همکارش روی زمین افتادند و به بیمارستان منتقل شدند. هرچند همکار جوان آتش‌نشان کمتر صدمه دیده بود و نجات یافت، اما صالح به‌دلیل استنشاق دود زیاد دچار ضایعه مغزی شد و در همه این سال‌ها در بستر بیماری، در زندگی نباتی به سر می‌برد تا اینکه هفته گذشته حالش بدتر شد و او را به بیمارستان منتقل کردند اما پس از ۲روز، جانش را از دست داد. روز گذشته پیکر این آتش‌نشان با حضور قشرهای مختلف مردم، آتش‌نشانان و خانواده‌اش تشییع و در وادی رحمت تبریز به خاک سپرده شد.

اهدای زندگی به ۶بیمار نیازمند

اعضای بدن زنی که به‌دلیل فشار خون بالا دچار مرگ مغزی شده بود ۶بیمار نیازمند را از مرگ نجات داد. این زن ۵۴ساله که مریم جعفریان نام داشت و ساکن شهرکرد بود، بعد از مرگ مغزی به بیمارستان امام علی(ع) منتقل شد و کلیه‌ها، کبد و نسوج او جداسازی و به ۶بیمار نیازمند اهدا شد.

باندی که اعضای آن سابقه قتل، آدم‌ربایی یا سرقت مسلحانه داشتند

سرنوشت عجیب قاتلی که بخشیده شد

فرار ناکام

۱۰ دقیقه بعد مأموران پلیس مقابل برج مسکونی حاضر شدند و ۳ مرد را در حالی دستگیر کردند که با یک کوله‌پشتی در حال خروج از ساختمان بودند. هر ۳ ماسک به صورت و کلاه به سر داشتند. آنها وقتی پلیس را مقابل خود دیدند، قصد فرار داشتند، اما تلاششان برای فرار بی‌نتیجه ماند و دستگیر شدند. در بازرسی از کوله‌پشتی آنها مقدار زیادی طلا و دلار کشف شد و متهمان چاره‌ای جز اقرار به سرقت ندیدند. آنها اقرار کردند که به‌صورت سریالی به خانه‌هایی که چراغشان خاموش است دستبرد می‌زنند، اما نکته عجیب اینکه یکی از سارقان قاتلی بود که بخشیده شده بود؛ دیگری جرمش معاونت در قتل بود که پس از پایان دوران محکومیتش از زندان آزاد شده بود و نفر سوم زمانی به جرم معاونت در آدم‌ربایی در زندان بود. آنها اعتراف کردند که از سوی مردی به نام مجید که سر کرده باند است، برای سرقت استخدام شده بودند و با اعترافات آنها مجید و چند متهم دیگر که با او همکاری می‌کردند، دستگیر شدند و تحقیقات از این باند ادامه دارد.

الهه فراهانی | روزنامه‌نگار | گزارش

باند عجیب مرد تبهکار با زیرکی زن همسایه لو رفت. این مرد پس از استخدام مجرمانی که سابقه قتل، آدم‌ربایی یا سرقت مسلحانه داشتند باند سرقت راه انداخته بود و خانه‌های مردم را خالی می‌کرد. به گزارش همشهری، چند شب قبل، زنی جوان که ساکن برجی در شمال پایتخت است، صدایی از آپارتمان همسایه شنید. او می‌دانست که زن همسایه به همراه همسرش به خارج از کشور سفر کرده‌اند و حالا نشینند صدا از خانه او نشان می‌داد که احتمالاً خانه هدف دستبرد سارقان قرار گرفته است. زن جوان با دقت خانه همسایه را زیر نظر گرفت و وقتی مطمئن شد که حدسش درست است، پلیس را خبر کرد.

از مرگ پر خاسته

یکی از سارقان دستگیر شده در این باند شهرام نام دارد. او بیش از ۸سال به جرم قتل عمد پشت میله‌های زندان بود، اما درحالی‌که همه‌چیز برای اجرای حکم آماده بود، از سوی اولیای دم بخشیده شد و از مرگ گریخت، اما سرنوشت بار دیگر او را در مسیر خلاف قرار داد.

چرا گریه می‌کنی؟

چون می‌دانم اشتباه کردم. نمی‌خواهم دوباره به زندان برگردم. باز هم آن شب‌های کشنده تکرار خواهد شد. زندگی در زندان خیلی وحشتناک است. تو که این همه از زندان می‌ترسی، چطور وارد باند سرقت شدی؟ حماقت کردم. فشار مالی و سرخوردگی باعث شد تصمیم اشتباه بگیرم. ظاهراً قبلاً به جرم قتل در زندان بوده‌ای. ماجرای پرونده‌ات چه بود؟ همه‌چیز به خاطر یک لحظه عصبانیت رخ داد. آن روز از صبح عصبانی بودم و عجله داشتم تا به محل کارم برسم. پشت فرمان در ترافیک شدیدی گرفتار شده بودم. ماشین جلویی راننده‌اش مرد میانسانی بود که خیلی آرام حرکت می‌کرد. منم بوق می‌زدم و همین بوق زن‌ها باعث شد که او هم عصبانی شود و به من

اعتراض می‌کنند. همین باعث شدد با هم درگیر شویم و نمی‌دانم چه شد یا چاقویی که در ماشین بود چند ضربه به مرد پیچازه زدم. هنوز هم هر وقت یاد آن روز می‌افتم، عذاب وجدان شدیدی به سراغم می‌آید، چون قصد آدم‌کشی نداشتم.

چند وقت زندان بودی؟ ۸سال و ۷ماه و ۳روز. حتی یک مرتبه هم تا پای جویبه دار رفتم و مرگ را در یک‌دمی خود دیدم. تمام مدت مثل بیدمی می‌زیدم و زمانی که طناب دار بر گردنم افتاد، لحظه‌ای قلمب ایستاد و مرگ را تجربه کردم، اما در آخرین لحظات اولیاسی دم به من مهلت دادند. بعد هم جلسات صلح و سازش برگزار شد و در نهایت اولیای دم به شرط دریافت دیه مرا بخشیدند. باور کنید بعد از آن به خودم قول دادم که هرگز خلاف نکنم، ششم را کنترل کنم، روی خودم کار کنم و زندگی خوبی بسازم. اما بدشانسی آوردم.

چه بدشانسی‌ای؟ بعد از آزادی، جذب شرکت رمی گلد کوئیست شدم، چون خانواده‌ام ملاکم را فر و خسته و پول دیه را داده بودند. می‌خواستم زودتر وضع مالی‌ام را روبه‌راه کنم، اما حماقتم موجب شد تا چند روز سرما بیه‌ای که پرایم مانده بود هم از بین برود. مدتی بعد با بانجام شریک شدم تا کار تازه‌ای راه بیندازیم. اوایل همه چیز خوب

قاتل خاموش قربانی گرفت

جوان ۱۹ساله که به‌دلیل نقص در بخاری دچار گازگرفتگی شده بود، جان خود را از دست داد. این حادثه ظهر دیروز (جمعه) در شهرستان طنز، بخش یادروند اتفاق افتاد. شواهد به‌دست‌آمده از محل حادثه نشان می‌دهد که مرد جوان به‌دلیل نقص در بخاری دچار مسمومیت شده و جان باخته است.

حادثه

شهادت در مأموریت نجات ۲شهروند

امدادگر فداکار هلال احمر وقتی دید ۲سرنشین خودرو در رودخانه گرفتار شده‌اند و جانشان در خطر است، به آب زد و آنها را از مرگ نجات داد، اما خودش گرفتار شد و جانش را از دست داد. به گزارش همشهری، در روزهای گذشته اغلب استان‌های کشور در معرض کاهش دما و بارش برف و باران بوده‌اند. یکی از این استان‌ها فارس است که بارش‌ها ساکنانش را غافلگیر کرده، روز پنجشنبه بر اثر همین بارش‌ها رودخانه حسین‌آباد قبله واقع در حوالی جهرم طغیان کرد. امدادگران هلال احمر که پیش‌بینی چنین شرایطی را می‌کردند، از قبل در مناطق حادثه‌خیز مستقر شدند تا به شهروندان هشدارهای لازم را ارائه کنند. آنها به ۲سرنشین خودرویی که قصد داشتند با وجود بالا آمدن سطح آب رودخانه با خودرو از آن عبور کنند هشدار دادند، اما آنها بی‌توجه به این هشدار وارد بستر رودخانه شدند. در آن لحظات بارش باران و شدت جریان رودخانه به حدی بود که این خودرو در یک چشم به هم‌زدن واژگون شد و ۲سرنشین آن در یک‌دمی مرگ قرار گرفتند. در چنین شرایطی بود که یکی از امدادگران به نام محمد قربان برای نجات این ۲نفر به آب زد. او خودش را به ۲حادثه‌دیده رساند و یکی پس از دیگری آنها را از آب بیرون کشید، اما خودش در جریان آب گرفتار شد و با وجود تلاش‌های همکارانش جانش را از دست داد. به‌دنبال این حادثه امدادگران توانستند پیکر همکار فداکارشان را که برای نجات جان ۲شهروندی بی‌احتیاط به آب زده بود، از رودخانه بیرون بکشند. محمد قربان، متولد ۱۶ تیرماه سال ۱۳۷۵ و اهل شهر جهرم بود. او از سال ۹۰ فعالیت خود را در هلال احمر آغاز کرد و در عملیات‌های متعددی شرکت داشت و در حوادث مختلف منجی شمار زیادی از حادثه‌دیدگان بود. او از حدود یک سال قبل دختر مورد علاقه‌اش را عقد کرده و قرار بود به‌زودی زندگی مشترکشان را آغاز کنند. حسین درویشی، مدیر عامل هلال احمر استان فارس در این باره گفت: محمد از چهره‌های درخشان خدمت و ایثار در خانواده بزرگ جمعیت هلال احمر استان فارس بود که زندگی کوتاه اما پربرکت خود را وقف نجات جان انسان‌ها کرده بود و سرانجام در همین راه به شهادت رسید.

احداث سالن پرواز برای میش‌مرغ‌ها

حمید ظهرابی، معاون سازمان حفاظت محیط‌زیست: مرکز تحقیقات و تکثیر در اسارت میش‌مرغ بوکان با تکمیل سالن سرویشیده پرواز به مساحت ۳۵۰۰ مترمربع وارد مرحله نهایی می‌شود. برای تقویت حفاظت از این گونه، نزدیک به ۲۵هکتار از زیستگاه‌های حساس خریداری شده است.

تخلیه ۳۰ روستا در کرمان

بارش‌های بی‌سابقه باعث سیلاب و قطع راه‌ها در جنوب کرمان و استان‌های همجوار شده است

طرح ضربتی مقابله با قاچاق چوب در شمال کشور

سرهنگ مجید زکریایی، فرمانده یگان حفاظت سازمان منابع طبیعی: طرح ضربتی پیشگیرانه مقابله با قاچاق چوب در استان‌های شمالی به‌مدت ۲روز در اردبیل، گیلان، مازندران و گلستان اجرا می‌شود و شامل تشدید گشت‌ها، کنترل گلوگاه‌ها، مراکز دیو و پرخورد قاطع با حمل و خریدوفروش چوب غیرمجاز است.

یادگویی



گنبدسلطانیه در خطر است؟

ساخت‌وساز یک ساختمان مسکونی خارج از حریم در منظر بصری گنبد سلطانیه زنجان که ۲۰سال پیش ثبت جهانی شده، متوقف شد و مراحل قضایی برای تخریب طبقات اضافی در دست انجام است. به گزارش همشهری، چندی است ساخت‌وساز یک ساختمان مسکونی در منظر بصری گنبد سلطانیه موضوع احتمال حذف این بنای تاریخی از فهرست جهانی یونسکو را ایجاد کرده است؛ زیرا طبق قانون، ساخت‌وساز در حریم ابنیه تاریخی که به ثبت جهانی سازمان یونسکو رسیده است، ضوابط و شرایط خاصی دارد که در صورت رعایت‌نشدن این قوانین، یونسکو اثر تاریخی را از فهرست آثار ثبت شده خارج می‌کند. موضوع حریم منظر ی گنبد سلطانیه و ساخت‌وساز یک ساختمان مسکونی را با مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی زنجان در میان می‌گذاریم. این پرسش مطرح است که چرا با اینکه هر گونه فعالیت خارج از ضوابط مصوب می‌تواند جایگاه این اثر را در فهرست جهانی یونسکو با خطر جدی مواجه کند، ارتفاع این ساختمان مسکونی را در منظر بصری گنبد سلطانیه مخدوش کرده است؟ علاوه بر این محدوده گنبد سلطانیه دارای حریم مصوب است و هر گونه ساخت‌وساز در این محدوده نیاز به رعایت دقیق ضوابط دارد. میکائیل موسوی به همشهری می‌گوید: «موضوع را از طریق دادگستری پیگیری کردیم. پرونده در شعبه ۲ دادگاه عمومی شهرستان سلطانیه است و حکم اجرای دادگاه برای توقف عملیات ساخت‌وساز صادر شده است. ساختمان‌های خارج از حریم درجه یک گنبد سلطانیه نباید بیش از ۲طبقه باشند و حتما باید طبقات اضافی را تخریب کنند.» موسوی گفت: گنبد سلطانیه از سه طرف محدود به عرصه‌های میراث فرهنگی و فعالیت‌های ساخت‌وساز در این مناطق محدود شده است. با این حال واگذاری زمین‌های معوض به مالکان یا خریداری زمین‌ها از سوی نهادهای دولتی، راهکاری برای پایان این کشمکش هاست.

همشهری

همشهری

حضور حیات وحش در شهر؛ امنیت یا آسیب؟



تصاویر حضور گله‌های قوچ و میش در یکی از میدان‌های شهر شاهرود در منطقه حفاظت شده تپال‌طی روزهای اخیر توجه بسیاری را جلب و این پرسش را برای مردم ایجاد کرده است که دلیل نزدیک شدن حیات‌وحش به محیط‌های شهری و اسلانی چیست؟ یک کارشناس حیات‌وحش معتقد است که این پدیده می‌تواند نتیجه امنیت، رفتار مثبت مردم و فرایند تدریجی فرهنگسازی باشد. فرشاد اسکندری در گفت‌وگو با همشهری درباره مشاهده گله‌های قوچ و میش در نزدیکی شهر شاهرود توضیح می‌دهد: این حضور ناگهانی نیست و به‌صورت تدریجی شکل گرفته است. این حیوانات ابتدا در پارک‌های حاشیه‌ای شهر دیده شدند و به‌مرور با کاهش ترس از انسان، به محدوده‌های نزدیک‌تر به بافت شهری آمده‌اند. او می‌گوید: وقتی مردم و نهادهای مسئول، به‌ویژه محیط‌زیست برای یک منطقه امنیت ایجاد می‌کنند، حیات‌وحش احساس آرامش می‌کند. این امنیت باعث کاهش ترس از انسان می‌شود. در کنار این عامل، خشک‌سالی و کاهش غذا و علوفه در زیستگاه‌ها نیز می‌تواند در نزدیک شدن حیات‌وحش به شهر نقش داشته باشد. هرچند درباره شرایط دقیق منطقه شاهرود به بررسی‌های میدانی بیشتر نیاز است. به گفته این کارشناس حیات وحش، علوفه‌ریزی دستی در برخی نقاط هم یکی دیگر از عواملی است که حضور قوچ و میش را در حاشیه شهر تقویت کرده است. ترکیب دسترسی به غذا و احساس امنیت، الگوی رفتاری حیات‌وحش را تغییر می‌دهد و باعث می‌شود در بسیاری از مناطق نزدیک به سکونتگاه‌های انسانی نزدیک شدن حیات‌وحش به انسان دیده شود. اسکندری با اشاره به نگاه‌های متفاوت کارشناسی می‌گوید: از نگاه صرفاً کارشناسی ممکن است ایراداتی به این وضعیت وارد باشد و در حالت ایده‌آل، انتظار داریم حیات‌وحش در زیستگاه طبیعی خود باقی بماند. واقعیت این است که این اتفاق می‌تواند بخشی از فرایند فرهنگسازی باشد. نزدیک‌شدن حیات وحش به انسان برای مردم، حس علاقه، مسئولیت‌پذیری و حفاظت و تقویت می‌کند.

فیلم «حضور گله‌های قوچ و میش در یکی از میدان‌های شهر شاهرود در منطقه حفاظت شده تپال» را با اسکن این کد ببینید.

همشهری

